

**\* قرائت عرفانی از مفهوم شهادت:** در نگاه عارفان، سلوک عرفانی را می‌توان به سه دوره مرحله شریعت، ظرفیت و حقیقت تقسیم‌بندی و تفکیک کرد. عرفای راستین، سیر و سلوک و طی منازل و مقامات عرفانی را در متن جامعه و همراه با خلق و البته به سوی حق معنی می‌کنند و در عین عمل به جهاد اکبر و طی عالی‌ترین مرحله باور، ادراک شهودی را در جهاد اصغر و نیل به شهادت فی سبیل الله جست و جو می‌کنند. در جهان‌شناسی عرفانی، شهادت محصول محبت و معرفت است. نیل آمدن عارف به معرفت تفضیلی و تفصیلی از خداوند، وی را آماده جهش ایمانی ساخته و در این مرحله، شهادت همچون پلی برای نیل به لقای حضرت معشوق تلقی شده و رخ می‌نماید. در دیدگاه عرفانی، شهادت نه مرگی ساده و معمولی بلکه اوج مرگ آگاهی آدمی و نفی حالت حیات و انتخابی در بزنگاه واقعه است.

**\* قرائت جامعه‌شناسانه از شهادت:** شهادت امری است که در ارتباط با انسان، موضوعیت طرح می‌یابد. انسان نیز در جامعه و تاریخ زیست می‌کند؛ بنابراین شهادت نمی‌تواند امری جدا از تاریخ و اجتماع باشد. دورکیم نظریه‌اش را در باب علل و انگیزه‌های خودکشی بر پایه اصل همبستگی اجتماعی پایه‌ریزی کرد. تعریف وی از خودکشی عبارت است از مرگی که به طور مستقیم یا غیر مستقیم از عمل مثبت یا منفی قربانی کردن خویش ناشی می‌شود؛ به گونه‌ای که قربانی می‌داند آن عمل، نتیجه را به بار خواهد آورد. انواع خودکشی از دیدگاه دورکیم عبارتند از:

الف) خودکشی خودخواهانه؛ ب) خودکشی دگرخواهانه؛ ج) خودکشی آنومیک یابی (هنجاری)؛ د) خودکشی قدرگرایانه خودکشی‌های گروه الف، ج و د، ربطی به مبحث شهادت ندارد و صرفاً نوع ب ارتباطی نه چندان وثیق با این مفهوم دارد به جهت این‌که فرد بین منافع خود و منافع گروه تعارضی نمی‌بیند. خود را فدای جمع می‌کند. مهم‌ترین ایرادی که به نظریه دورکیم وارد است. این‌که این نظریه ذاتاً نوعی تفکر کارکردی و نظم‌گرایانه است که توجه و التفات جدی این به تغییرات و تحولات اساسی ندارد و اعتنایی به ارزش‌های دینی یا اجتماعی در بروز ایثار ندارد.

مژارش‌گر: محمدباقر محمدی منور

## زندگی و فهم زندگی

کفت وگو با: غلامحسین ابراهیمی دینانی

اطلاعات: ش ۲۳۱۹۶، ۸۷/۲/۲۹

بازتاب اندیشه ۹۸

مژارش‌ها

زندگی مقوله‌ای عینی، جدی و در عین حال گسترده و ذو ابعاد است که می‌تواند از زوایای گوناگون مورد بحث، محض و فکر قرار بگیرد. علاوه بر مباحث اصلی که همواره از ذات

زندگی می‌جوشد، گذشت زمان و تطور تاریخی - معرفتی تفسیرهایی که از زندگی صورت گرفته و می‌گیرد، بر دامنه مباحث زندگی مقادیری دیگر نیز می‌افزاید. در نتیجه آنچه در باب زندگی صورت موضوع و مسأله به خود می‌گیرد، طیف وسیعی از قضایای مهم است که از تعریف زندگی، معنا و فهم زندگی آغاز می‌شود و با مسائلی چون زندگی و نسبت موجود میان زندگی و ابدیت منتهی می‌گردد.

وجود دیدگاه‌های متعدد سلبی و ایجاد و تضارب آرا در این مجال، علاوه از دلالت بر حساسیت هر یک از این مسائل، نشان دهنده این موضوع نیز است که زندگی همچنان نیازمند پژوهش‌های عمیق و تفحص‌های روشنگرانه است. زندگی یا زیستن آغاز هر چیزی است. همه حرف‌ها از آغاز تا انجام دوباره زندگی است که واژه عربی‌اش حیات است و از جمله صفات خداوند حی است، یعنی خداوند زنده است و یک معنا دارد و زندگی کردن معنایی دیگر. نوع زندگی کردن انسان، معنای زندگی اوست، بنابراین کسی که معنای زندگی را نمی‌داند، زندگی نمی‌کند. معنای زندگی، جستن معناست، زیبایی جهان هم به زیبا دیدن زندگی است که آن نیز منوط به درک معنای زندگی است. بنابراین هر لحظه معنای جدیدی وارد و هر فعلی که در لحظه‌ها انجام می‌شود، فعل جدیدی است و معنای جدیدی دارد و خداوند همواره در فعل جدید و معنای جدید است و معنای جدید می‌آفریند. اگر خداوند این‌گونه است و انسان هم مظهر خداوند است، بنابراین انسان نمی‌تواند تکراری باشد و تکراری بیندیشد و عمل کند. تا زمانی کسی نتواند به این معانی دست بیابد، دچار زیست مکرر است که یک زیست شبه حیوانی است و چندان هم ارزش زیستن ندارد، چون باید معنی داشته باشد تا بتوانیم آن را بسنجیم و ارزش‌گذاری کنیم. ارزیابی و ارزش‌گذاری زندگی وقتی ممکن است که زندگی دارای معنا باشد. مهمترین وظیفه انسان درک معنی زندگی است. انسانیت انسان هم درست از همین جاشکل می‌گیرد و میزان انسان بودن انسان به میزان درک او از معنای زندگی برمی‌گردد. میزان عظمت و حقارت انسان به اندازه درک او از زندگی بستگی دارد. فلسفی‌ترین مسأله در عالم، همین امر است. من هیچ چیز را مقدم بر این موضوع در فلسفه نمی‌شناسم. معنای زندگی، فلسفی‌ترین مسأله‌ای است که هر انسانی با آن روبه‌رو می‌شود. زندگی عبارت است از فهم زندگی و دین هدف زندگی را تعیین می‌کند و کاملاً با زندگی مرتبط است. معنی زندگی دقیق‌ترین ارتباط را با دین دارد. فهم‌کننده معنی زندگی دین‌دار است. بنابراین مفردی جز فهم معنای زندگی وجود ندارد و این مهم‌ترین مسأله‌ای است که برای هر شخص ممکن است مطرح شود.

مزارش‌نور: محمدباقر محمدی منور